قرآن و ترجمه ای نو

آزادی، مریم

گفت و گوی اختصاصی کیهان فرهنگی شماره 93 - آبان ماه سال 1381-، حامل خبری بود از ترجمه قرآن کریم توسط استاد علی موسوی گرمارودی پس از گذر ایام، سرانجام در تابستان 83 توفیق به دست داد و این ترجمه وارد بازار کتاب شد. در موخره خواندنی مندرج در پایان این مصحف شریف، در خصوص تاریخ دقیق شروع و پایان ترجمه، آمده است:«کار ترجمه و بازنگری و مقابله با تفاسیر معتبر و مراجعه به فرهنگها برای یافتن معادل‏های فارسی بهتر و پرداخت و صیقل آن که صبح روز مبارک جمعه نهم مهر ماه 1378، روز میلاد مسعود حضرت زهرا (س) با بی‏بضاعتی در تاجیکستان به آن پرداخته بودم، تا در غربت شهر دوشنبه پایتخت این کشور، مونسم و ان‏شاءالله در آخرت دستاویز نجاتم باشد. پس از پنج سال، غروب جمعه 14 مرداد ماه 1383، همچنان برابر با شب میلاد حضرت فاطمه سلام الله علیها، در تهران به پایان رسید.»

استاد گرمارودی ضمن به فال نیک گرفتن پایان یافتن این ترجمه را مقارن با هزار و چهار صدمین سال جمع و تدوین مصحف شریف امام علی بن ابیطالب (ع) در توصیف حال بدست داده در ترجمه قرآن نسبت به سایر ترجمه‏ها آورده است:«هنگامی که شما متنی را ترجمه می‏کنید، نخستین گام، آن است که متن را کاملاً بفهمید. در مورد قرآن کریم هم فرصت ژرف خوانی آن، به هنگام ترجمه بهتر به دست می‏آید. آن گاه که شما قرآن را فقط می‏خوانید، مانند آن است که با هواپیما از روی یک اقیانوس می‏گذرید، یعنی تنها عظمت و زیبایی آن را با نگرشی کلی درمی‏یابید و نه بیش، اما هنگامی که آن را ترجمه می‏کنید، آن گونه‏اید که در زورقی بی‏بادبان بر اقیانوس ، پیش می‏رانید. دیگر تنها به دیدن عظمت و زیبایی کلی بسنده نمی‏کنید. بلکه با امواج آن هم بالا و پایین می‏روید، بوی اقیانوس هم می‏گیرید. دریا زده هم می‏شوید، خیزاب موج‏ها پیراهنتان را به تنتان می‏چسباند و چون چنبره کبود لجه‏های کوه پیکر آب، با اوج و فرود، در خود وامی‏شکند و فرو می‏ریزد، دل شما هم فرو می‏ریزد.

گرمارودی در کنار شوق وصف‏ناپذیری که از ترجمه قرآن به وی دست داده از مشکلات این ترجمه نیز می‏گوید:«نخستین مشکل ترجمه قرآن وحیانی بودن آن است... بی‏گمان نه عربی بودن زبان قرآن، بلکه وحیانی بودن آن است که چون به هر زبانی ترجمه می‏شود، حلاوت و استحکام اصلی خود را از دست می‏دهد... اگر با رعایت امانت، هرگونه آن را به فارسی ترجمه کنید، این استواری و استحکام را که در متن قرآنی می‏بینید، نخواهد داشت. من کوشیده‏ام با استفاده از کلمات مترادف و استفاده از حذف با قرینه صارفه، ترجمه فارسی آن را اندکی از نااستواری برهانم. مثلا در آیه 33 از سوره مبارک محمد می‏فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوالله و اطیعو الرسول و لا تبطلوا اعمالهم».

چنان که ملاحظه می‏فرمائید، اطیعو تکرار شده و در ساختمان جمله و استحکام آن و فصاحت‏آن نیز به هیچ مشکلی پدید نیامده و جمله درکمال شیرازی است. درترجمه فارسی اگر بگوییم «ای موءمنان! از خداوند فرمان برید و از پیامبر فرمان برید و کردارهایتان را تباه نگردانید»، امانت را رعایت کرده‏ایم اما شیوایی جمله قربانی امانت شده‏است و ناچار یا باید با حذف به قرینه چنین ترجمه کنیم:

ای موءمنان! از خداوند و ازپیامبر فرمان برید و کردارهایتان را تباه نگردانید.

و یا سرانجام چنین:

ای موءمنان! ازخداوند فرمانبرداری کنید و از پیامبر فرمان برید و کردارهایتان را تباه نگردانید.

علی موسوی گرمارودی در توضیح مشکل ثانوی که در ترجمه قرآن با آن روبرو بوده‏است به رعایت کامل امانت درترجمه اشاره کرده‏است و می‏گوید: «در ترجمه قرآن کریم؛ رعایت ادب وحی، مترجم را ناگزیر می‏کند که، هرچه ممکن است امانت را پاس دارد. حتی برخی برآنند که مترجم قرآن نباید جمله اسمیه را به جمله فعلیه ترجمه کند و... درترجمه فارسی تهران این مشکلات بیشتر به چشم می‏آید؛ زیرا اگر قرار باشد که ساختار نحوی زبان قرآن، رعایت «نشود» که در یک ترجمه درست و روان قرار بر همین است به این مشکلات برمی‏خوریم:

1- درعربی؛ اصل، آوردن فعل درآغاز جمله است و درفارسی درپایان جمله.

2- درعربی صفت با موصوف مطابقت کامل دارد و درفارسی ندارد.

3- درعربی گاهی فعلی بدون منم یا به عبارت دیگر، بدون حرف اضافه به کار می‏رود، در حالی که ترجمه فارسی همان فعل، حرف اضافه دارد. مثلا درسوره مبارک (ص) آخر آیه 35، «ولن یترکم اعمالکم» ترجمه می‏شود. «و هرگز از (پاداش) کردارهایتان نمی‏کاهد.» و برعکس، در عربی، گاهی فعل با حرف اضافه به کار می‏رود، درحالی که درترجمه فارسی، همان فعل حرف اضافه ندارد. مثلا در ترجمه آیه 6سوره مبارک مائده «فامسحوا بروءسکم» تنها می‏گوییم: «سرتان را مسح کنید.»

4- درعربی، گاهی نوعی نسبت به صورت مضاف و مضاف‏الیه وجود دارد مثل اصحاب السعیر، که در زبان فارسی، مفرد آن را دوزخی و جمع آن را تنها دوزخیان می‏گوییم و اگر بخواهیم رعایت امانت کنیم، باید یاران یا دمسازان دوزخ بگوییم که از معنای حقیقی آن دور می‏افتیم...

بنابراین، مسأله حفظ امانت، از مسأله رعایت سیاق زبان فارسی کاملا جداست و این دو را نباید با هم اشتباه کرد.»

درگفت‏وگوی کوتاهی که با استاد گرمارودی به مناسبت چاپ ترجمه قرآن کریم صورت گرفت درخصوص انگیزه ویژگی‏های این ترجمه گفت: می‏خواستم یک ترجمه وفادار و زیبا عرضه کنم. به همین دلیل دو ویژگی را اصل قراردادم یکی همین امانت‏داری بود و دیگر اینکه تمام آیاتی، برابر بودند برابر ترجمه شوند. یعنی اگر یک آیه پنجاه مرتبه درپنجاه جا در قرآن آمده، در همه موارد یک طور ترجمه شده‏است. ضمن این که درترجمه ولنگاری نکرده‏ام. یعنی سعی کردم زیبایی را فدای امانت و امانت را فدای زیبایی نکنم و این خیلی مهم است. ترجمه قرآن کاری مهم است و نازک‏کاری دارد زیرا باید در عین حفظ کمال امانت یک ترجمه روان و قابل فهم ارائه بدهید. دیگر اینکه معادل‏های خیلی خوبی هم برای تعبیرات قرآنی و لغات قرآنی بکار گرفتم که اغلب دیگران به کار نگرفتند. مثلا برای «زنیم»، «بی‏تبار» برای «جنت‏المأوا» «بوستان سرا» برای «قطمیر»، «سریری» برای «ذات‏الصدور»، «اندیشه‏ها» و مثل «او به اندیشه‏ها داناست» یا ترکیب «دین آگاه» یا برخی نازک‏کاری‏هایی که در زبان ما هست، درواقع جناس بی‏آنکه بزک‏کاری شده‏باشد، مثل «انه مکروا ومکرالله»، «نیرنگ آنان را بی‏رنگ کرد». دراین جمله از جناس تصحیف استفاده کردم. دراین خصوص‏می‏توانم به آیه 101 سوره یوسف، سوره هود آیه 80 و سوره یس آیه 28 و... اشاره کنم.

زبان ترجمه من، نثر معیار است. با اندک چاشنی باستانگرایی. آن هم به این سبب که قرآن در پانزده قرن پیش و براساس زبان عربی فصیح رایج در آن روزگار فرو فرستاده شده است، اما نه چندان که از نثر معیار دور شود مثلاً در ترجمه عبارت قرآنی «احضرت الانفس الشح» (نساء 138)، آورده‏ام: جان ها، آزا را در آستین دارند.

در ترجمه بسم‏الله‏الرحمن ابرحیم آورده‏ام: به نام خداوند بخشنده بخشاینده. سلمان فارسی، نخستین مترجم فارسی قرآن کریم نیز، بنا بر مشهور، این آیه را «به نام یزدان بخشنده بخشاینده» ترجمه کرده بوده است.

از مترادف‏ها (چه همسانی و چه یکسانی) استفاده نکرده‏ام، مگر در تمام طول ترجمه تنها یک، دوباره، آن هم برای رساندن معنایی خاص. (مثلاً در ترجمه مصیر).

واژه‏ها را حتی اگر زائده بوده‏اند، حذف نکرده‏ام و اگر حالیه بوده‏اند حالیه ترجمه کرده‏ام وکوشیده‏ام دوبار آن را خرج نکنم، یعنی در ترجمه آن، تنها گفته‏ام: «حال آنکه» نه«و حال آنکه» برای نمونه سوره نحل آیه 91.

تأکید در عربی با تناظر کامل امکان دارد. در حالی که در زبان فارسی به کلی متفاوت است و این تفاوت به اندازه‏ای است که اگر رعایت نشود، ترجمه را از وفاداری دور می‏کند. بنابراین کوشش کردم تا حدودی که به هر دوسو، خیلی لطمه وارد نشود، تأکیدهای آیات را، آشکار کنم.

ضمناً به جز نام‏های خاص و اعلام، تمام کلمه‏هایی نیز که بار فرهنگ قرآنی خاص داشته‏اند مثل ایمان، لقاءالله، اجل یا بار تاریخی خاص مثل منافق، مشرک، هجرت، و... یا برابر آنها در فارسی کلمه عربی بوده مثل اذن و اجازه یا در آیات و احکام به کار رفته بود و بار فقهی داشت مثل حج، حرام، حلال و... مطلق ترجمه نشده استاد گرمارودی در پاسخ به این سوءال که استقبال عموم از این ترجمه چگونه بود، گفت: آنقدر که ظرف چهارماه بیش از پنجهزار نسخه از آن به فروش رفت و ناشر اجازه چاپ دوم را از من خواست. منتهی یک بازنگری در آن انجام دادم. یعنی تمام موارد غلط چاپی و گوشزد افراد در مسایل سجاوندی را در آن لحاظ کردم که ان‏شاءالله چاپ دوم بااین تغییرات خواهد بود. برای من مهم است که در اینجا از مردم و فرهیختگان برای استقبال از این ترجمه تشکر کنم و یادآوری کنم که یک بار دیگر پس از پایان کار اتمام ترجمه را با متن قرآن، آیه به آیه مطابقه کرده، ارجاعات، زیرنویس‏ها را کنترل کردم، ترجمه هر آیه را، هم از جهت دقت و هم از جهت روانی و رسایی سنجیدم و اگر کلمه‏ای زیباتر یافتم، جایگزین کردم و با این وجود از خوانندگان دانشمند قرآن پژوه و نکته‏یاب خواهش می‏کنم که به احترام قرآن کریم، اگر باز نکته‏ای یافتند با یادآوری آن به من، این ترجمه ناقابل راهر چند یک کلمه، به معنای راستین کلام مقدس وحی، نزدیک‏تر کنند و بدانند که در اجر معنوی آن به همان اندازه شریک خواهند شد.

ء این کتاب به خط عثمان طه و توسط انتشارات قدیانی در 500 نسخه به چاپ رسیده و سه تن آقایان بهاءالدین خرمشاهی، سیدحسین صدرالحفاظ وحسین استاد ولی، ویراستاری و ترجمه آن را به عهده داشتند.